

«**وطن امروز**» گزارش می‌دهد؛ فرار ترامپ به داخل پس از شکست در سیاست خارجی

ناگامی بین‌المللی



یاسر فرخ پارسا

شده‌اند. ادعای او مبنی بر اینکه می‌تواند «جنگ اوکراین را در یک روز پایان دهد» بارها تکرار شد اما در نهایت خودش در اظهارنظری اعتراف‌آمیز گفت آن جمله فقط شوخی بوده است و منظورش «سرعت در تصمیم‌گیری بود». این تغییر لحن، نه فقط تاکتیکی، بلکه نشان‌دهنده فشار فزاینده‌ای است که از سوی نهادهای سیاسی، امنیتی و رسانه‌ای داخلی آمریکا به او وارد شده و حاکی از آن است حتی یک چهره جنجالی مانند ترامپ نمی‌تواند در برابر شکست‌های استراتژیک مقاومت کند.

۲- شکست در پرونده اوکراین به وضوح تثبیت شده است. وعده‌های او برای قطع حمایت‌ها از کیف، نه تنها به پایان جنگ منجر نشده، بلکه موجب نگرانی متحدان اروپایی آمریکا هم شد. پروژه «صلح در ازای قدرت» او در سطح جهان به استهزا گرفته شد و در مقابل، روسیه با فرسایشی کردن نبرد، توانست پایداری نسبی در میدان ایجاد کند. در همین حال، پرونده غزه هم ضربه‌ای حیثیتی به چهره آمریکا پیوژه ترامپ وارد کرده است. حمایت بی‌قید و شرط او از رژیم صهیونیستی در دوره اول ریاست جمهوری‌اش، حالا با حجم بی‌سابقه‌ای از جنایات این رژیم در غزه گره خورده است. جنایاتی که حتی رسانه‌های آمریکایی هم دیگر نمی‌توانند آنها را نادیده بگیرند. ۳- ترامپ که در دوره دوم ریاست جمهوری خود تلاش داشت با حمایت تمام‌قد از رژیم صهیونیستی، پرونده یمن را به نفع نظم «مریکامحور» ببندد، حالا در موقعیتی قرار گرفته که مجبور به پذیرش واقعیت جدید قدرت در منطقه شده است. پس از موج حملات بی‌امان هوایی آمریکا به یمن و البته بی‌تاثیر بودن این حملات در مواضع اعلامی انصارالله، نه تنها پروژه نظامی‌سازی شکست خورد، بلکه آمریکا به صورت غیررسمی پذیرفت برای حفظ خطوط کشتیرانی خود، ناگزیر از جلب موافقت انصارالله بدون در نظر گرفتن امنیت رژیم صهیونیستی است؛ نه دولت‌های همپیمانش در ریاض و ابوظبی. این واقعیت، تغییر موازنه قدرت در دریای سرخ را به رخ کشید؛ جایی که ترامپ برای محافظت از کشتی‌های آمریکایی، دیگر چاره‌ای جز مذاکره پنهان با تن دادن به موازنه بازدارندگی با یمن نداشت. قدرت انصارالله، از نظر واشگنگتن، دیگر یک تهدید صرف نیست، بلکه انصارالله به یک بازیگر موثر منطقه‌ای بدل شده است که بدون مجوزش، حتی

۱- دونالد ترامپ که روز گاری با شعار

«حل سریع بحران‌های جهانی» وارد کاخ سفید شده بود، حالا با پرونده‌هایی روبه‌رو است که نه تنها بسته نشده‌اند، بلکه به نقاط ضعف راهبردی او در سیاست خارجی بدل شده‌اند. ادعای او مبنی بر اینکه می‌تواند «جنگ اوکراین را در یک روز پایان دهد» بارها تکرار شد اما در نهایت خودش در اظهارنظری اعتراف‌آمیز گفت آن جمله فقط شوخی بوده است و منظورش «سرعت در تصمیم‌گیری بود». این تغییر لحن، نه فقط تاکتیکی، بلکه نشان‌داد مذاکره از موضع ضعف را نمی‌پذیرد. در صورتی که ترامپ در راهبرد خود بازنگری نکند، شکست در پرونده ایران هم به فهرست ناگامی‌های او اضافه خواهد شد.

۵- همزمان با این ناگامی‌ها در صحنه جهانی، ترامپ در سیاست داخلی نیز با بحران‌هایی جدی دست و پنجه نرم می‌کند. مشاور امنیت ملی‌اش را در اوج اختلافات برکنار کرد، روابطنش با ایلان ماسک که یکی از نمادهای قدرت اقتصادی و رسانه‌ای آمریکاست، به جنگ لفظی و افشاگری‌های متقابل کشیده شده و حالا با اعتراضات گسترده مهاجران در ایالت‌هایی مثل کالیفرنیا روبه‌رو است. مهاجرانی که روزی سوزه‌های تبلیغاتی ترامپ بودند، حالا نماد نارضایتی اجتماعی از سیاست‌های مهاجرتی، نژادپرستانه و فریبکارانه او شده‌اند. خیابان‌های پرترنس و سیاست‌های پلیسی، چهره‌ای از یک آمریکای در مانده ترسیم کرده که دیگر نمی‌تواند ادعای رهبری دموکراسی در جهان را داشته باشد.

۶- در چنین فضایی، ترامپ به جای اینکه رو به ترمیم روابط

خارجی یا بازنگری در استراتژی‌های سیاست بین‌المللی بیاورد، با فرار به جلو، به بحران‌سازی داخلی پناه برده است. تمرکز شدید بر مهاجران، گفتمان تهدیدآمیز علیه فعالان رسانه‌ای داخلی و القای فضای جنگ داخلی نرم، شگردهایی است که او به کار گرفته است. این یعنی شکست در پرونده‌های خارجی، مستقیما به خشونت در داخل منجر شده است. او دیگر نمی‌تواند با نشان دادن تصویری مقتدر در جهان، حامیان خود را قانع کند؛ پس با دشمن‌سازی در داخل، به دنبال بازسازی پرستیژ سیاسی‌اش است.

۷- این وضعیت نشان می‌دهد سیاست خارجی ترامپ دیگر کارایی گذشته را ندارد. قدرت بازدارندگی، نه‌الماکن اجماع‌سازی بین‌المللی و نه حتی ظرفیت اداره همپیمانان منطقه‌ای در چنین فضایی وقتی حتی اسرائیل بدون هماهنگی اقدام به کشتار جمعی می‌کند و عربستان به چین نزدیک می‌شود و امارات سیاست چندقطبی را دنبال می‌کند، معلوم است نظم آمریکامحور مورد ادعای ترامپ، بیش از آنکه واقعیت باشد، یک توهم از گذشته است. امروز، در نظم جدید

تمرکز بر راه‌حل‌هایی شد که علاوه بر آرام کردن شرایط، به ریشه‌یابی و رفع علل اصلی این اعتراضات نیز بپردازد.

■ **سیاست‌های ضدمهاجرتی ترامپ؛ ریشه‌ها و منشأ**

سیاست مهاجرتی دولت ترامپ که اخیرا بحث‌برانگیز شده، در واقع ادامه رویکردی است که از زمان کمپین انتخاباتی ۲۰۱۶ با شعارهای «اول آمریکا» و «مرزهای بسته» آغاز شد. استفن میلر، مشاور ارشد کاخ سفید و معمار اصلی این سیاست‌ها، از ابتدا در

پی تصویب قوانین سختگیرانه جهت محدود کردن ورود مهاجران بود. این سیاست‌ها شامل ممنوعیت ورود شهروندان برخی کشورهای مسلمان، تشدید روند دستگیری و اخراج مهاجران بدون مدارک قانونی و افزایش اختیارات نهادهای امنیتی برای مقابله با اعتراضات است. با وجود واکنش‌های منفی داخلی و بین‌المللی، ترامپ و حامیش معتقدند این

سیاست‌ها برای حفظ امنیت ملی و مقابله با جرائم سازمان‌یافته ضروری است. بر این اساس، اعزام گارد ملی و تفنگداران دریایی به لس آنجلس در چارچوب استراتژی سرکوب اعتراضات و اعمال نظارت سختگیرانه بر مرزها انجام شده است.

■ **واکنش مقامات آمریکایی و جمال سیاسی**

این اعتراضات که ابعاد گسترده‌ای پیدا کرده است، به موضوعی حساس و بحث‌برانگیز در سطح سیاست داخلی ایالات متحده تبدیل شده است. در این میان، دموکرات‌ها به شدت به رویکردها

جهانی، دیگر با صدای بلند نمی‌توان

جهان را کنترل کرد.

۸- از منظر نورتالیسم تدافعی، آنچه

امروز در رفتار ترامپ مشاهده می‌شود، نه جاه‌طلبی، بلکه میل به بقا در ساختاری

آناشیک و پرهزینه است. «کنت والتز»

(Kenneth Waltz) از بنیان‌گذاران این

رویکرد، باور داشت دولت‌ها برای کاهش تهدید و

حفظ موقعیت، ممکن است از جاه‌طلبی دست بکشند

و به دفاع از وضعیت موجود رو آورند. همین اتفاق حالا

در رفتار متغلاانه ترامپ رخ داده است. او با مشاهده بن‌بست

در پرونده‌های فراملی، مانند ایران، غزه و اوکراین و ناتوانی در

شکل‌دهی به بازدارندگی موثر، ترجیح داده است. تمرکز را از

سطح جهانی بردارد و بحران را به زمین داخلی بکشد؛ تا

جایی که مهاجران، خبرنگاران، مشاوران امنیتی و حتی

رقیبای اقتصادی‌اش مانند ایلان ماسک را به عنوان

تهدیدات تازه معرفی می‌کند

۹- نتیجه آنکه ترامپ که آمده بود «معامله‌گر

قرن» باشد، حالا درگیر پرونده‌های بحران‌زایی

است که نه تنها حل‌شدنی نیستند، بلکه به

کلبوس دولت او بدل شده‌اند. آمریکا در

موقعیتی نیست که دوباره قدرت مطلق

جهان لقب بگیرد. در چنین شرایطی،

کشورهای مستقلی چون ایران با درک

ضعف‌های ساختاری آمریکا و شناخت

شکاف‌های داخلی آن، باید مسیر

دیپلماسی را از موضع اقتدار - و نه

ترس - دنبال کنند. تجربه نشان

داده است هر جا در برابر آمریکا

مقاومت شده، راهبرد آن تغییر

کرده و هر جا امتیاز بی‌پایه

داده شده، فشارها بیشتر شده

است. بنابراین آینده رابطه با

ترامپ، به جای آنکه در پشت

میزهای شیک مذاکره تعیین

شود، از فهم میدان سیاست

واقعی آمریکا عبور می‌کند؛

همان‌جا که امروز پر از

ترس، تفرقه و تظاهر است.



«**وطن امروز**» گزارش می‌دهد؛ ادامه تجمعات اعتراضی و شورش‌های پراکنده در شهرهای آمریکا در واکنش به سیاست‌های مهاجرتی ترامپ

چالش تکراری مهاجران

اجتماعی و نیاز به تقویت اجرای قانون توصیف کرده است. او در پیامی اظهار داشت: هر کشوری باید از مرزهای خود محافظت کند، چرا که امنیت داخلی اساس هر حکومت است. این اظهارات به سرعت در فضای رسانه‌ای آمریکا بحث‌برانگیز شد و بسیاری از تحلیلگران، آن را نشان‌دهنده تقارب برخی گروه‌های فائوری با جریان‌های محافظه‌کار دانستند. پیش‌بینی‌های متفاوتی درباره موفقیت سیاست‌های مهاجرتی دولت ترامپ مطرح شده است. تحلیلگران حقوقی بر این باورند تلاش برای اعمال این سیاست‌ها از طریق قدرت اجرایی، با موانع قانونی مواجه خواهد شد و احتمالا بخش‌های عمده‌ای از آنها توسط دادگاه‌های فدرال محدود می‌شود. در مقابل، گروه‌هایی مانند موسسه سیاست مهاجرت هندلار دادمند چنین رویکردهایی ممکن است بی‌ثباتی اجتماعی را افزایش داده و به حقوق اساسی مهاجران آسیب برساند. بنا بر آمار رسمی دولت آمریکا، تنها در سال ۲۰۲۲، بیش از ۱.۵ میلیون نفر به دلیل وضعیت نامشخص مهاجرتی با خطر بازداشت یا اخراج روبه‌رو بوده‌اند؛ رقمی که نسبت به سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته است. اعتراضات اخیر در لس‌آنجلس و سایر شهرهای آمریکا نمادی از شکاف عمیق اجتماعی - سیاسی در این کشور به شمار می‌رود. اجرای سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی از سوی دولت ترامپ نه تنها جامعه مهاجران، بلکه بخش بزرگی از افکار عمومی را نیز علیه این سیاست‌ها برانگیخته است. در حالی که حامیان این اقدامات، آنها را ابزاری برای تضمین امنیت ملی می‌دانند، مخالفان آنها را نقض حقوق بشر و قانون اساسی تلقی می‌کنند. با ادامه این بحران، آینده سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده و وضعیت جامعه مهاجران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار داشته و شدت واکنش‌های داخلی و بین‌المللی روزبه‌روز بیشتر می‌شود.

و تصمیمات اتخاذشده توسط دونالد ترامپ تاخته و آنها را نمونه‌ای آشکار از نقض حقوق اساسی مهاجران و حتی شهروندان آمریکایی قلمداد کرده‌اند. ناسی پلوسی، رئیس پیشین مجلس نمایندگان، در این رابطه سیاست‌های اجرایی دولت ترامپ را به عنوان نمادی از «خشونت سیستماتیک از سوی دولت» معرفی و از آن به‌منظابه «ابزاری برای ایجاد ترس و وحشت گسترده در دل جوامع مهاجر» یاد کرده است. از سوی دیگر، حامیان ترامپ، از جمله

شماری از سناتورهای مطرح جمهوری‌خواه همچون تد کروز، با دفاع قاطع از این سیاست‌ها، آنها را اقدامی ضروری در راستای «تأمین امنیت ملی» دانسته‌اند. آنها معتقدند این تصمیمات راهکاری موثر برای مبارزه با چالش‌هایی همچون «فعالیت کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌های قاچق‌کار سازمان‌یافته» است. علاوه بر این، استفن میلر - یکی از افراد نزدیک به سیاست‌های مهاجرتی ترامپ - در فضای مجازی با حمایت بی‌دریغ از این اقدامات، تأکید کرده است بر برخورد قاطع با چنین اعتراضاتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ «ظلم و امنیت ملی» است و معتز را به عنوان «تهدیدی علیه ثبات داخلی کشور» توصیف کرده است.

■ **چرخش موضع ایلان ماسک**

ایلان ماسک، مالک شبکه اجتماعی ایکس در حمایت تلویحی از مواضع دولت ترامپ، اعتراضات اخیر را نشانه‌ای از بی‌ثباتی

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از

از